

تأثیرپذیری اسطوره‌ها و کهن‌الگوها در رمان‌های بلقیس سلیمانی از شاهنامه فردوسی

چکیده

اسطوره با زبان و ادبیات، به‌ویژه ادبیات داستانی، از گذشته‌های دور دارای ارتباط تنگاتنگی بوده است. این ارتباط با گذشت زمان حفظ شده و امروزه، آثار بسیاری از نویسندگان این دوره با اسطوره‌ها عجین است. یکی از آثار ادبی کهن که آمیخته با اساطیر ایرانی است کتاب شاهنامه فردوسی است که تبدیل به الگوی برجسته در ادبیات داستانی شده است. اسطوره در آثار این نویسنده به اشکال مختلف بازتاب یافته است. یکی از این نویسندگان بلقیس سلیمانی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که آثار بلقیس سلیمانی، از داستان نویسان مطرح زن، به جهت شناخت و آگاهی وسیع وی از اسطوره و حضور پررنگ آن در داستان‌هایش قابل توجه است. شخصیت‌پردازی اسطوره‌ای، نام‌های اساطیری، مضامین و آیین‌های اسطوره‌ای از آن جمله‌اند. دغدغه اصلی او در استفاده از اسطوره، بیان مسایل مهم «زن» در جامعه پدر / مردسالار معاصر و تلاش برای ارتقای جایگاه زن و هویت‌یابی زنانه است. پژوهش حاضر به اشکال مختلف بازتاب اسطوره در آثار این نویسنده می‌پردازد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی و تبیین خاستگاه اسطوره و جایگاه آن در ادبیات داستانی معاصر و بیان دلایل رویکرد داستان نویسان مدرن و پست مدرن.
۲. بررسی و تبیین واژگان مدرن و پست مدرن، خاستگاه هر دو جریان فکری، معرفی عناصر و مؤلفه‌های مدرن و پست مدرن.

سوالات پژوهش:

۱. اسطوره و بینش اساطیری در داستان‌های مدرن و پست مدرن چگونه نمود یافته است؟
۲. دلایل بازپردازی اسطوره‌ها و کهن‌الگوها در عصر «روشنگری» که عصر اسطوره‌زدایی قلمداد می‌شد، در داستان‌های مدرن و پست مدرن معاصر چیست؟

کلیدواژه‌ها: اسطوره، کهن‌الگو، بلقیس سلیمانی، شاهنامه فردوسی.

مقدمه

بازنمایی هویت و دیگر مؤلفه‌های مربوط به زنان در جامعه همواره با گفتمان مردانه صورت پذیرفته است. در حالی که ذات و ماهیت زنانه تنها وقتی پدیدار می‌شود که زنان خود بتوانند آن را ایجاد کنند و فرصت پرورش و شکل‌گیری به آن‌ها داده شود. بلقیس سلیمانی، در رمان «خاله‌بازی» این دغدغه را به وضوح بیان می‌کند. در سال‌های اخیر و در کنار ورود اندیشه‌های مدرن و تحولات اجتماعی، ادبیات و به‌ویژه ادبیات داستانی، رسانه‌ای شد که زنان توانستند بدون واسطه به بیان آرا و افکار خود بپردازند و موقعیت خود را در این عرصه به جایگاه تثبیت شده‌ای برسانند. به بیان دیگر، دگرگونی‌های گسترده و پیچیده دوره معاصر این فرصت را در اختیار زنان نویسنده قرار داد تا از ظرفیت‌های رمان برای بازتاب پسندها و ناپسندهای زنان و حتی بازسازی جایگاه خود در عرصه اجتماع بهره گیرند. بلقیس سلیمانی نیز چون بسیاری از زنان داستان‌نویس با «عادت» ستیزی در آثار داستانی خود و با نگاهی به جامعه در بستر اسطوره‌های زن محور، با نگرش سنتی پدر/ مردسالار که نگاهش به زن تنها به خانه‌داری و پرورش فرزند محدود می‌شود، مبارزه می‌کند و مسائلی چون تنهایی، هویت‌یابی از ازدواج، عدم استقلال مالی، نداشتن استقلال رأی، مبهم بودن موقعیت اجتماعی، تجاوز و اعمال خشونت و ... را که نتیجه پندارهای نسبتاً پایدار محدودیت‌آفرین، و ساخته و پرداخته اجتماع مردسالار است، به چالش می‌کشد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است با این حال آثار متعددی به بررسی داستان‌های بلقیس سلیمانی پرداخته‌اند. بلقیس سلیمانی از زنان داستان‌نویس معاصر است که درباره او و آثارش مطالبی به رشته نگارش در آمده است. کیا (۱۳۹۰) به «بررسی ساختاری رمان‌های بلقیس سلیمانی» می‌پردازد. توسلی (۱۳۹۱) در پژوهشی مجمل، رمان «به هادس خوش آمدید» را معرفی و نقد کرده است. خادمی کولایی و دیگران، مقاله «جامعه‌شناسی رمان خاله‌بازی از بلقیس سلیمانی بر مبنای نظریه پی‌یر بوردیو» (۱۳۹۴) را به بررسی جامعه‌شناختی خاله‌بازی با تکیه بر آرای «پی‌یر بوردیو» اختصاص می‌دهد. سیدعلی قاسم‌زاده (۱۳۹۲) «تحلیل فرامتنی و کهن‌الگویی رمان به هادس خوش آمدید»؛ و همو مقاله «مقایسه عنصر زمان در روایت-پردازی رمان‌های به هادس خوش آمدید» و «سفر به گرای ۲۷۰ درجه بر مبنای نظریه ژرار ژنت» (۱۳۹۳) را به رشته نگارش در آورده است. با این تفاسیر در آثار یاد شده به موضوع پژوهش حاضر پرداخته نشده است لذا پژوهش حاضر، به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای، شکل‌های مختلف بازتاب اسطوره در آثار این نویسنده را بررسی می‌کند که شخصیت پردازی اسطوره‌ای، نام‌های اساطیری، مضامین و آیین‌های اسطوره‌ای از آن جمله‌اند.

نتیجه‌گیری

آگاهی عمیق و وسیع بلقیس سلیمانی از اسطوره‌ها و کهن‌الگوها و باورهای عامه در داستان‌های این نویسنده نمود بیشتری دارد. در نامگذاری شخصیت‌های داستانی از نام‌های اساطیری و حماسی شاهنامه استفاده می‌کند. اگرچه کارکرد این شخصیت‌ها با آنچه در شاهنامه مشهود است، تفاوت اساسی دارد. برای نمونه «گل بانو»ی رمان «بازی آخر بانو» و «رودابه» رمان «به هادس خوش آمدید» با رودابه شاهنامه همانندی دارد، اما سرنوشت آن‌ها با هم یکسان نیست. دیگر از گونه‌های اساطیری این نویسنده، بهره‌مندی از اسطوره‌های یونانی است. سلیمانی در رمان «به هادس خوش آمدید» از الگوی اسطوره‌ای ر بوده شدن ایزدبانو پرسفونه به دست هادس و رفتن او به جهان زیرین که از جمله اسطوره‌های مرگ و رستاخیز است، بهره گرفته و آن روایت را بازسازی کرده است. هر چند روایت او کاملاً منطبق با متن پایه نیست و در راستای هدف خود، یعنی باز نمودن وضعیت زن در جامعه سنتی پدر/مردسالار، در آن تغییراتی داده است. او همچنین با بیان اسطوره آفرینش مانوی زنان در رمان فرانوگرا با زاویه دید من‌راوی گذشته نگر، با تکیه بر واقع‌گرایی متمایل به ناتورالیسم؛ و احیای اسطوره‌های مادرسالار، ایزدبانوان، درخت و زمین و...، جبر اساطیری حاکم بر سرنوشت زنان را به نمایش می‌گذارد. شکل دیگر بازتاب اسطوره در آثار سلیمانی، مضامین اسطوره‌ای نظیر استمرار حیات آدمی در گیاه، آبیاری درختان با خون و بازگشت روح مرده در هیأت یک پرنده است که در ردیف اسطوره‌های گیاه‌پیکری جای می‌گیرد.

سلیمانی، نویسنده‌ای اقلیم‌گراست که به آداب و رسوم محل زندگی اش توجه خاصی دارد و در داستان‌هایش از باورهای عامه و آیین‌هایی می‌نویسد که بن اسطوره‌ای دارند. و نیز از نمادهای کهن‌الگویی چون باغ و مار بهره می‌جوید و روند این داستان‌ها را با نمادهای کهن‌الگو پیش می‌برد. او مؤلفه‌های کهن‌الگو را با اتفاقاتی طبیعی و روزمره زندگی هر انسانی تلفیق می‌نماید؛ اتفاقاتی که ممکن است در زندگی هر فردی روی دهد و بی توجه به این نمادها و نشانه‌ها به سادگی از کنار آن‌ها عبور کند. او آگاهانه از اسطوره برای بیان اندیشه و اهداف خود بهره می‌برد که به‌طور حتم جز ارتقای جایگاه «زن» و هویت‌یابی زنانه نیست.

References

- Amoozgar, J. (۲۰۱۱). Language, Culture, Myth, Third Edition, Tehran: Moin.
- Akhvat, A. (۱۹۹۲). Dictionary of Storytelling, First Edition, Isfahan: Farda Publishing.
- Smith, J. (۲۰۱۰). The Mythical Culture of Greece and Rome, Second Edition, translated by Shahla Baradaran Khosroshahi, Tehran: Contemporary Culture.
- Plato. (۲۰۰۶). Banquet, "Talking About Love", translated by Mohammad Ali Foroughi, Tehran: Jami.

Eliyadeh, M. (۱۹۹۳). Treatise on the History of Religions, translated by Jalal Sattari, Tehran: Soroush.

Benoit, L. (۲۰۰۵). "Religion and Myth", The World of Mythology, translated by Jalal Sattari, Tehran: Markaz.

Boulen, Sh. (۲۰۰۷). Mythical and Psychological Symbols of Women, Fourth Edition, translated by Azar Yousefi, Tehran: Roshangaran and Women's Studies. Bilsker, Richard. (۲۰۱۲). Jung's Thought, Fourth Edition, translated by Hossein Payendeh, Tehran: Farhang Javid.

Pourkhaleghi Chatroudi, M. (۲۰۰۲). Shahnameh Tree, "Cultural and Symbolic Values of the Tree in Shahnameh", Mashhad: Published.

Pin St., J. (۲۰۰۱). Recognition of Greek Myths, translated by Mohammad Hossein Bajlan Farrokhi, Tehran: Myths.

Dubocor, M. (۱۹۹۴). The Living Codes of John, translated by Jalal Sattari, Tehran: Markaz.

Zamoradi, H. (۲۰۰۸). Plant Symbols and Codes in Persian Poetry, Tehran: Zovar.

Soleimani, B. (۲۰۱۶). The Last Game of Lady, ۱۱th Edition, Tehran: Phoenix.

----- (۲۰۱۷). The Game of the Bride and Groom, Eleventh Edition, Tehran: Cheshmeh.

_____. (۲۰۱۱). Welcome to Hades, Third Edition, Tehran: Cheshmeh.

_____. (۲۰۱۵). The Boy Who Loved Me, Fourth Edition, Tehran: Phoenix.

_____. (۲۰۱۴). Aunt Bazi, Seventh Edition, Tehran: Phoenix.

_____. (۲۰۱۲). Rabbit Day, Second Edition, Tehran: Cheshmeh.

Fraser, George J. (۲۰۱۱). Golden Branch, Second Edition, translated by Kazem Firoozmand, Tehran: Agah.

Cooper, GC. (۲۰۰۷). Image Culture of Traditional Symbols, translated by Maliha Karbasian, Tehran: Farhang-e Nashr-e Noo.

Valizadeh, V. (۲۰۰۸). "Gender in the Works of Iranian Female Novelists", Literary Criticism Quarterly, Vol. ۱, No. ۱, pp. ۱۹۱-۲۲۴.

The Culture of Myths and Stories in Persian Literature, Fourth . (۲۰۱۲).Yahaghi, M
Edition, Tehran: Contemporary.

Man and His Symbols, translated by Mahmoud Soltanieh, Tehran: . (۲۰۰۷).Jung, C
Jami.